

ورونیکا تصمیم می‌گیرد
بمیرد

پائولو کوئیلو

ترجمه دل‌آرا قهرمان

چاپ هفتم



ketabtolah

ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد

De laa,
merci pour être
ma voix en Iran,
Yan,

~~Tante Collette~~

دل آرا:

مرسی از اینکه صدای من در ایران هستی
پانولو کونیلو

ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد

پائولو کونیلو

دل آرا قهرمان



سرشناسه	کوتیلو، پائولو، ۱۹۶۷ - م. Coelho, Paulo
عنوان و نام پدیدآور	ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد / پائولو کوتیلو مترجم دل آرا قهرمان .
مشخصات نشر	تهران : نشر فرزاد روز، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	۲۲۴ ص
شابک	۹۷۸ - ۹۶۴ - ۳۲۱ - ۳۶۹ - ۵
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی : Veronika Decide De Mourir
یادداشت	کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت ترجمه و منتشر شده است.
موضوع	داستانهای برزیلی - قرن ۲۰ م.
شناسه افزودن	قهرمان ، دل آرا ، ۱۳۲۴ - مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۹۱ : PQ۹۶۹۸ / ۲۷ / ۹
رده بندی دیویی	۸۹۹ / ۳۴۲ :
شماره کتابشناسی ملی	۲۷۲۱۷۴۴ :



ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد

پائولو کوتیلو

ترجمه دل آرا قهرمان

چاپ اول : ۱۳۹۴

چاپ هفتم : ۱۴۰۱ ؛ تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه ؛ قیمت : ۱۰۰۰۰۰ تومان

ناظر چاپ : مجتبی مقدم ؛ طراح جلد : آرمینا طهرانی مؤبد

حروفچینی : شبستری ؛ لیتوگرافی : لاله

چاپ و صحافی : تاجیک

تمامی حقوق این اثر محفوظ است

تکثیر یا تولید مجدد آن کلی و جزئی به صورت (چاپ - فتوکپی - صوت - تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و موجب تعقیب قانونی خواهد بود.

میدان ونک ، خیابان گاندی شمالی ، پلاک ۹ ، واحد ۱۰

تلفکس : ۸۸۸۲۲۴۷ - ۸۸۱۲۴۹۹ - ۸۶۷۹۴۴۳

صندوق پستی : ۱۹۶۱۵/۵۷۶

E-mail: info@farzanpublishers.com

www.farzanpublishers.ir

اینک شما را قوت می‌بخشم که ماران و
عقربها و تمامی قوت دشمن را پایمال کنید
و چیزی به شما ضرر هرگز نخواهد
رسانید.

انجیل لوقا، باب دهم، آیه ۱۹

۲۱ نوامبر ۱۹۹۷ ورونیکا تصمیم گرفت که زمان خودکشی فرارسیده است. اتاقی را که در یک صومعه اجاره کرده بود به دقت تمیز کرد، شومیز را خاموش کرد، دندانهایش را مسواک زد و دراز کشید.

از روی میز کوچک کنار تختش هر چهار جعبه قرص خواب آور را برداشت، به جای اینکه آنها را پودر کند و با آب قاطی کند تصمیم گرفت یکی یکی آنها را بلعد زیرا از قصد تا عمل راه درازيست و او می خواست آزاد باشد که اگر در میانه راه پشیمان شد بتواند ادامه ندهد. معذالک با هر قرصی که می بلعید اطمینانش بیشتر می شد: پنج دقیقه بعد هر چهار جعبه خالی شده بودند.

چون نمی دانست دقیقاً چه مدت دیگر هوشیاری اش را از دست خواهد داد، آخرین شماره‌ی جمله‌ی فرانسوی «مرد» (Homme) را که اخیراً به کتابخانه‌ی محل کارش رسیده بود، روی تخت گذاشته بود. با این که علاقه‌ی خاصی به علوم کامپیوتری نداشت با نگاهی سطحی به مجله دریافته بود که مقاله‌ای درباره یک بازی کامپیوتری نوشته شده است. این بازی

(CD-rom) را پانولو کوئیلو ساخته بود. زمانی که این نویسنده‌ی برزیلی در کنفرانسی در هتل گراند یونیون شرکت کرده بود، ورونیکا او را دیده و چند جمله‌ای با هم حرف زده بودند او حتی به مهمانی شام ناشر دعوت شده بود اما تعداد مدعوین آنقدر زیاد بود که نتوانست در هیچ موردی صحبتی جدی و عمیق با او داشته باشد.

با این همه صرف شناختن این نویسنده موجب می‌شد که گمان کند او بخشی از جهان خودش است و خواندن گزارشی درباره‌ی کار وی موجب گذران وقت می‌شد. ورونیکا در حالی که منتظر مرگ بود به خواندن مقاله‌ای پرداخت که اصلاً علاقه‌ای به موضوع آن نداشت. او در تمام زندگی‌اش همین کار را کرده بود، چون به دنبال سهولت بود و یا به سوی چیزی دست دراز می‌کرد که در دسترسش بود - مثلاً همین مجله.

شگفت اینکه نخستین سطر مقاله، او را از حال منفعل طبیعی‌اش بیرون کشید (آرام‌بخش‌ها هنوز در معده‌اش حل نشده بودند ولی ورونیکا طبیعتاً منفعل بود) و برای نخستین بار در زندگی‌اش، جمله‌ای که بین دوستانش مَد شده بود به نظرش پرمعنا آمد: «هیچ چیز در این دنیا اتفاقی نیست.» چرا با این جملات روبه‌رو شده بود آن هم زمانی که تصمیم به مرگ گرفته بود؟ پیام نهانی آن کلمات چه بود، اگر باور کنیم که به جای اتفاق و تصادف پیامی نهانی در کار است؟

زیر تصویری از بازی کامپیوتری، روزنامه‌نگار، گزارشش را با این پرسش آغاز کرده بود: «اسلونی کجاست؟»

ورونیکا با خودش فکر کرد: «هیچ کس نمی‌داند اسلونی کجاست، هیچ کس.»

پائولو کوئلیو این بار به یکی از مشکلات رایج
در جوامع نسبتاً مرفه در دوران صلح و آرامش
اشاره می‌کند: (اقتصدگی و بی‌انگیزگی).
وی ماجرای شگفت‌انگیز دختری را روایت می‌کند
کنند که تریس از سرگشته‌ها و افسردگی او را به سوی
زندگی و شور و شوق هدایت، سوق می‌دهد.



No. 994
Designed by Azadeh Neshki
(Arzoo Taheri)

9789627396412 >



9 789627 396412



قلمرو

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان